این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

پرده بر چشمان ماست

آیت‌الله جوادی آملی:
وجود مبارک امام(س) فرمود خداوند «مَعرُوفٌ عِند کُلِّ جَاهِل»؛ هیچ ممکن نیست کسی خدا را نشناسد، هیچ ملحدی! هیچ مشرکی! منتها در اثر آن رسوبات و غفلت‌ها علم به علم ندارند. وقتی این پرده‌ها و غفلت‌ها کنار رفت (یعْلَمُونَ ان اللهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِینُ).
در سوره مبارکه «ق» فرمود ما تو را عالم نکردیم، بلکه پرده را برداشتیم (این یک). پرده را از روی اسرار عالم برنداشتیم، از جلوی چشم تو برداشتیم (دو). این دو کار از سوره مبارکه «ق» به خوبی برمی‌آید، آیه ۲۲ سوره مبارکه «ق» این است که ما چیزی در قیامت به شما نفهماندیم که شما را عالم بکنیم، چیزی به شما تعلیم بکنیم نبود و از واقعیت و حقیقت اشیا پرده را برنداشتیم؛ زیرا اشیا بی‌پرده خلق شدند، پرده‌ای روی اسرار عالم نیست، فقط یک مطلب سومی است که ما در قیامت انجام دادیم و آن این است که پرده‌ای که خودت جلوی چشم خودت آویختی ما این پرده را کنار زدیم (لَقَدْ کُنتَ فِی غَفْلَةٍ مِنْ هذَا). غفلت برای آن است که شیئی موجود باشد انسان به او توجه نداشته باشد، فرمود فقط بی‌توجهی است نه بی‌علمی!
منبع: کانال رسمی وابسته به آیت‌الله العظمی جوادی آملی در تلگرام به استناد جلسه ۱۴ تفسیر سوره نور

منادی آرمان امام خمینی در تحقق نظام اسلامی در عراق

دکتر عبدالله گنجی در توئیتی نوشت: نوزدهم فروردین سالروز شهادت یکی از استوانه‌های فکری تشیع شهید سیدمحمدباقر صدر است. جمله‌ای بسیار قابل تأمل از ایشان دیدم: «خداوند برای پیروزی مؤمنان هیچ راه میانبری را وعده نداده است. راه پیروزی تلاش است.»
دکتر سیدمحمد حسینی نیز با همین موضوع توئیت کرد: «۱۹ فروردین سالگرد شهادت مرجع نابغه علامه سیدمحمدباقر صدر و خواهرش با دستور صدام لعین در سال ۵۹ است. او که منادی آرمان امام خمینی در تحقق نظام اسلامی در عراق بود و از ۱۲ سالگی نگارش کتاب را شروع کرد و آثاری چون اقتصادنا و فلسفتنا را به یادگار گذاشت، یادش گرامی و راهش پررهرو.»

به عصر خسارت محض برنخواهیم گشت

سیدیاسر جبرائیلی در توئیتی نوشت: در دوره برجام واردات کشور افزایش یافت و این افزایش واردات، اثر منفی روی رشد اقتصادی کشور گذاشت. با خروج امریکا از برجام، واردات کاهش یافت و این کاهش، اثر مثبت روی رشد اقتصادی کشور داشت. به عصر خسارت محض برنخواهیم گشت.

همه‌چیز حقیقت ندارد!

کانال تلگرامی ماهنامه «مدیریت ارتباطات» نوشت: «دیپ‌فیک» یا به فارسی آن، «جعل عمیق» به گونه‌ای از فناوری اطلاق می‌شود که بر پایه هوش مصنوعی، به جعل چهره و صدای افراد در قالب فیلم می‌پردازد. این اصطلاح به لحاظ زبانشناسی از ادغام دو واژه «یادگیری عمیق» و «جعل» ساخته شده و به بازسازی تصویرها و فیلم‌های جعلی می‌پردازد. دیپ‌فیک اگرچه نوعی فناوری انقلابی است، با دستکاری و جعل حقیقت، ساحت‌های مختلف زندگی را دگرگون می‌کند. این فناوری، از نظر برخی صاحب‌نظران معرفت‌شناسی حتی ممکن است نوع زیستن در جهان معاصر را دگرگون کند.

تصویر منتخب

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تعبیر «توبه امریکا» از سوی حسن روحانی

توبه گرگ مرگ است!

حجت‌الاسلام روحانی روز چهارشنبه ۱۸ فروردین در جلسه هیئت دولت با اشاره به اینکه اذعان امریکا به شکست و درخواست برای مذاکره از نظر ما «توبه» است، گفت: «امریکا امروز آماده است برای اینکه بنشیند و راجع به اجرای برجام و بازگشت به تعهدات خود گفت‌وگو کند. بازگشت به تعهدات به معنای دینی و مصطلح آن توبه است. برای اجرای توبه، امریکا آمده توبه کند، آمده می‌گوید می‌خواهم توبه کنم، می‌گوید «هل لی من توبه»؟ می‌خواهم به برجام برگردم.» این بیانات با واکنش‌های بسیاری از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران ضمن اشاره به ضرب‌المثل «توبه گرگ مرگ است» با بازخوانی جملاتی از حضرت امام خمینی(ره) تأکید کردند که «امریکا اگر لااله‌الاالله هم بگوید ما قبول نداریم». در ادامه بخشی از واکنش‌های کاربران را بخوانید.

مجید شاکری:
صریح‌ترین واکنش بایدن در پرونده ایران تا این لحظه یک تکان دادن سر بوده، با این حال در تهران جملات جناب حرّ را در دهان او می‌گذارند. اگر بخشی از پول کره را آزاد کند، صفتی از اولیاالله نیست که به او منتسب نشود. واقعاً آرزو دارم واکنش شخصی بایدن را بعد از خواندن متن سخنرانی امروز رئیس جمهورمان، بخصوص جایی که می‌رسد به «هل لی من توبه» ببینم.

مالک شریعتی:
امام خمینی (ره)، ۶ آبان ۱۳۶۰: «بر فرض که امریکا یک طرح صددرصد اسلامی- انسانی بدهد، ما باور نمی‌کنیم که آنها به نفع صلح و منافع ما گامی بردارند. اگر امریکا و اسرائیل لااله‌الاّالله بگویند، ما قبول نداریم چراکه آنها می‌خواهند سرِ ما کلاه بگذارند.» #توبه_امریکا

رسول شکری‌نیا:
آیا سران رژیم امریکا با «چهل و دو سال مقابله با جمهوری اسلامی»، «همدستی با صدام و ارتجاع منطقه»، «تحریم‌های بی‌سابقه علیه ملت ایران حتی غذا و دارو»، «تخریب روابط عادی ایران با سایر کشورها»، «تشکیل، تجهیز و حمایت از گروهک‌های تروریستی»، «جنایت شهادت سردار سلیمانی» و... توبه می‌کنند؟! #توبه_گرگ

حسن شجاعی:
روحانی دلخوش به ادب اوباما و توبه بایدن؛ و مردم محتاج نان شب...

محمود صاحبی:
روحانی با اشاره به مذاکرات دیروز درباره برجام گفت: امریکا آمده توبه کند! یاد این جمله تاریخی‌شون در اواخر سال ۹۲ افتادم: توافق ژنو یعنی تسلیم قدرت‌های بزرگ در برابر ملت بزرگ ایران! همین قدر که اون تحلیل‌شون درست بود، تحلیل جدیدشون هم درسته!

سیدجمال:
خطرناک‌تر از گرگی که هیچ وقت توبه نمی‌کنه، گوسفندی است که توبه گرگ رو باور می‌کنه!

مصطفی و ثوقی کیا:
امام خمینی گفته: «امریکا اگر لا اله الا الله هم بگوید ما قبول نداریم» حالا حسن روحانی فکر کنه امریکا می‌خواد توبه کنه...

سیدسعید لواسانی:
امریکا توبه نکرده و نخواهد کرد. و توبه گرگ مرگ است، خیلی سادگی است تصور کنیم که گرگ داستان ما- امریکا- توبه کرده است. یا همه تحریم‌ها را برمی‌دارد یا با حرف، هیچ‌چیز درست نمی‌شود.

علی پارسانیا:
خداوند با همه خدایی‌اش، توبه نکرده نمی‌بخشد و ابراز ندامت از روی صداقت و جبران مافات را شرط گذشت می‌داند. فتأمل!

علیرضا:
اینکه امریکا با اهدای آب‌نبات چوبی انتظار داره ایران کاملاً برگرده به برجام نشون میده بایدن از اون توبه‌ها کرده که شاعر می‌فرماید: «سبحه بر کف، توبه بر لب، دل پر از ذوق گناه / معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما» #حرف_قطعی

سمیرا امینی:
دوران «امضای کری تضمین است» را پشت سر گذاشتیم و وارد دنیای «امریکا توبه کرده است» شدیم.

شهیدان شریف ایران

میلاد عظیمی در صفحه شخصی خود نوشت: من دوست ندارم عکس تلخ در صفحه‌ام بگذارم. عکس مرگ بگذارم. حرف تلخ بزنم. کام‌های تلخ را تلخ‌تر کنم. اما چه کنم؟
این عکس از پیکر به خون غلطیده دو محیط‌بان مظلوم زنجانی را که دیدم گفتم اگر خاموش بنشینم گناه است. شکارچیان قانون‌شکن آنها را کشتند. با گلوله. با گلوله‌ای که از سلاح جنگی شلیک شد. مهدی مجلل و میکائیل هاشمی آماج گلوله شدند چون می‌خواستند مانع شوند که گلوله بر تن و جان مرغ و مرالی بنشیند.
کار خوبی کرد ایسنا که این عکس تلخ و صعب را کار کرد. باید خوب ببینیم خشم و خشونتی را که بر محیط زیست و محیط‌بانان می‌رود. نمی‌دانم محیط زیست ایران مظلوم‌تر است یا این محیط‌بانان؟ این نگاهبانان شریف کوه و دشت و درخت و پرنده و حیوانات ایران؟
نه قانون از محیط‌بانان حمایت درست و حسابی می‌کند و نه تجهیزات پیشرفته‌ای دارند و نه حقوق و مزایای درخوری می‌گیرند. در برابر شکارچیان درنده‌خو بی‌پناه رها شده‌اند. هر از چندی به خاک می‌افتند. زخم می‌خورند. اگر از خود دفاع کنند متهم و محکوم هم می‌شوند.
خدا به خانواده این دو شهید صبر بدهد. بر دل دردمندشان تسلی نازل کند. اینان شهیدان شریف ایران هستند. به آنان مدیون هستیم. خون پاک محیط‌بانان در راه حمایت و حفاظت از ایران و محیط زیست ایران بر خاک می‌ریزد. ما مردم هم باید از آنها حمایت و حفاظت کنیم. باید صدایشان باشیم.

حواسمان به مغز و خوراک روحمان باشد

زهرا نوروزی نوشت: دوران قرنطینه، یعنی از اسفند ۹۸ به این طرف، طبع و سلیقه و تفکرات ما دستخوش تغییراتی شد؛ کل دنیا مجبور بود در خانه بماند و خود را با شرایط جدید وفق داده و با «خودِ جدیدی» که کشفش کرده بود کنار بیاید.
در این میان هیچ‌کس بیکار ننشست و در هر جایی مشغول کاری بود که می‌توانست تأثیرگذار باشد، از کوچک‌ترین زحمتی دریغ نکرد و ابداعات جدیدی به خرج داد؛ مثلاً اپلیکیشن تیک‌تاک شروع کرد به ساخت چالش‌های کم‌هزینه یا رایگان که مردم از فرط بیکاری به آن تن داده و در سراسر دنیا همه شبیه هم جلوی دوربین موبایل شروع کردند به مسخره‌بازی.
خیلی از آهنگ‌های مورد استفاده در این چالش‌ها و ایرال شده و گوش سپردن به آن حالت عمومی و جهانی پیدا کرد، آمار ویوی ویدئوهای فان و آی‌جی‌تیوی‌های اینستاگرام بالا رفت، بلاگرها رشد کرده و سلیقه دیداری و شنیداری ما دچار تحول شد، بدون آن که بدانیم. مقوله تکراری «دست استکبار و دشمن خارجی» مطرح نیست. اما بی‌شک، در کمترین زمان و در کنج خانه‌هایمان، اسیر چنگال استعمار مجازی شدیم. حواسمان به مغز و خوراک روحمان باشد.

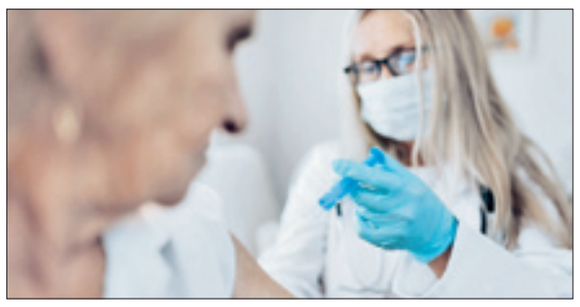

واکسن در خارج‌ها!

محمود فرجامی در کانال تلگرامی خود از وضعیت واکسیناسیون در نروژ و اعضای حزب «خاک تو سر ما ایرانیست‌ها» نوشت. چکیده‌ای از یادداشت او را در ادامه بخوانید:
من هم مثل تقریباً همه ایرانی‌ها از همان بچگی می‌دانستم که افغانستان و پاکستان و سوریه و عراق و این کشورهای همسایه و شبیه ما، اصلاً خارج محسوب نمی‌شوند و به ترکیه و هند و مالزی و اینها هم به زحمت می‌توان خارج گفت. اما مطمئن بودم که بالاخره اروپا و امریکای شمالی و استرالیا و ژاپن خود خود خارجند.
هر قدر بیشتر خارج زندگی کردم فهمیدم چقدر خارج‌ها داریم. زندگی دو ساله‌ام در نروژ، که هر طور حساب کنیم ته و اصل خارج حساب می‌شود، یک طورهایی کلاً «خارج» را برد زیر سؤال. ماجرای کرونا کلاً تیر خلاص به خارج زد.
وقتی آخر می ۲۰۱۹ رسیدم نروژ با خانمی که از طرف یک شرکت مرتبط با دانشگاه، کارهای اداری مهاجرتی من را انجام می‌داد قراری داشتم. یک سری مدارک رد و بدل شد و توضیحاتی درباره کار و کارت و اینها. آخرش پرسیدم پس بیمه چی؟ گفت درباره بیمه حرف نمی‌زنیم چون هر کس که قانونی بیاید نروژ بیمه خدمات درمانی دارد به طور خودکار. بعد پشت چشمی نازک کرد و گفت فکر کردی اینجا امریکاست؟ [اینجا بود که متأسفانه فهمیدم پشت چشم را برای امریکا نازک کرده و به قصد تحقیر، نه برای من و برای دلبری]
و خب به قول معروف چراکه نه؟ یک کشور ۵ میلیون نفری بزرگ در شمال اروپا با منابع عظیم طبیعی و جنگل و دریا و حتی نفت. با مردمی قانونمدار و حرف گوش‌کن. مهاجرانی که تا خود را جنوب ایتالیا و اسپانیا به اینجا برسانند از ۱۰ تا فیلتر گذشته‌اند. والبته عضو ناتو. عموماً در رتبه‌بندی‌های رفاهی، شماره یک و بهترین جا برای زندگی.
کرونا نشان داد نروژ هم یک خارج جداگانه است برای خودش، و نمی‌توان حتی با آلمان یک کاسه‌اش کرد. چه برسد با انگلیس، یا با امریکا، یا روسیه، یا سایر خارج‌های دور و نزدیک.
اگر به‌جای استناد به برگه‌های اینستاگرامی و کانال‌های تلگرامی و «دخترعمه دوستم که میگه میان در خونه...» و باقی اعضای حزب «خاک تو سر ما ایرانیست‌ها»، به تجربه همین الان خودم در اسلو ششم آوریل ۲۰۲۱ استناد کنم هیچ نشانه‌ای از واکسیناسیون نیست. مرفه‌ترین کشور جهان، نازک‌کننده پشت چشم برای امریکا (بقیه که هیچ!) نتوانسته فقط ۵ میلیون نفر را واکسن بزند. حتی نیمی. حتی یک‌پنجم این جمعیت اندک را. تنها خبری که شنیدم این بود که منتورم که خانمی است شصت و چند ساله گفت که چند روز پیشتر مادر ۸۷ ساله‌اش واکسینه شده!
با غلبه گفتمان کودک‌شهروندان مغزفندقی، در آغاز یا پایان هر نوشته‌ای درباره «خارج» مجبورم روضه‌ای هم بخوانم که اگر می‌گویم فلان چیز خوب یا بد است منظورم این نیست که وضع در «داخل» بد یا خوب است.

قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی ایران

کانال تلگرامی «باشگاه خبرنگاران جوان» نوشت: اخیراً تصویری از قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی ایران در فضای مجازی دست به دست می‌شود که توجه بسیاری از کاربران را به خود جلب کرده است. کتاب‌فروشی اسلامیه وابسته به خاندان کتابچی، از دوره قاجار تا به امروز در تهران در حال فعالیت است و حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد. این مغازه به عنوان قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی پابرجای تهران و ایران شناخته می‌شود. عنوان این کتابخانه در شروع کار کتاب‌فروشی علمی اسلامیه بود، اما با گذشت زمان از نامش عنوان «علمی» حذف شده و به عنوان کتاب‌فروشی اسلامیه ماندگار شد.
گفتنی است خاندان کتابچی همه کتاب‌فروش بودند و به همین دلیل در سال ۱۲۸۰ کتاب‌فروشی اسلامیه را برای فروش کتاب تأسیس کردند.

آنالیز منابع خبری در فلسطین اشغالی

علیرضا بازرگان در کانال تلگرامی خود نوشت: با توجه به اینکه بعضی اوقات مطالبی از جراید و منابع خبری اسرائیل نقل و مخابره می‌شود، خوب است که یک آشنایی اجمالی با این منابع داشته باشیم تا متوجه شویم که آن مطلبی که نقل‌قول شده از چه زاویه‌ای بوده است.
در میان کانال‌های تلویزیونی، تغییر و تحول مدیریتی زیاد رخ می‌دهد. به‌طور کلی این کانال‌ها به‌اصطلاح یکی به نعل می‌زنند و یکی به میخ. البته در میان کانال‌ها، کانال ۷ و ۲۰ بسیار شاخص و متفاوت هستند زیرا به‌شدت افراطی و از مواضع جناح جنگ‌طلبانه و راست دفاع می‌کنند. در میان روزنامه‌ها، روزنامه «اسرائیل هایوم» نیز یک روزنامه به‌شدت اصولگراست. پشتوانه مالی این روزنامه از شلدون آدلسون (میلیاردر امریکایی) تأمین شده است و به همین دلیل هیچ‌گونه مشکل مالی نداشته و مواضع بسیار تند علیه ایران و فلسطین و مسلمانان می‌گیرد. جراید «آروتز شوا» و «ب‌شوا» نیز در دسته جناح راست افراطی قرار می‌گیرند. روزنامه «ماریو» نیز راست‌گراست.
از طرفی، روزنامه «یدیوث آحارونوت» که در اینترنت با سایت Ynet شناخته می‌شود، و همچنین Times of Israel درباره موضوعات داخلی اسرائیل میانه‌رو هستند. گرچه این جراید با سیاست‌های تندروها مانند نتانیاهو هم‌صدا نیستند و از آنها انتقاد می‌کنند ولی از طرف دیگر نمی‌توان آنها را چپ دانست. روزنامه Jerusalem Post هم خود را به‌عنوان میانه‌رو معرفی می‌کند. ولی همه اینها در موضع‌گیری‌ها علیه ایران خصمانه عمل می‌کنند.
در این میان روزنامه هاآرتس مهم‌ترین روزنامه چپ است که سابقه و اعتبار زیادی دارد. این روزنامه معمولاً نسبت به سیاست‌های جنگ‌طلبانه و جناح راست انتقاد جدی می‌کند و حتی در مواقعی از مسلمانان و فلسطینیان نیز دفاع می‌کند. نکته جالب این است که سایت انگلیسی هاآرتس که برای مخاطبان خارجی می‌نویسند طرفداران بیشتری نسبت به سایت عِبری آن دارد. یعنی شاید بتوان گفت مخاطبان داخلی آن کمتر از مخاطبان خارجی آن هستند. مجله ۹۷۲ نیز مانند روزنامه هاآرتس بسیار چپ‌گرا و اصلاح‌طلب است.
امیدوارم این خلاصه توانسته باشد کمی تمایلات منابع خبری در فلسطین اشغالی را روشن کرده باشد. اگر مایل هستید می‌توانید این مطلب را در گوشه‌ای ذخیره کنید که در آینده هر موقع از منابع اسرائیلی چیزی نقل شد، متوجه شوید از چه زاویه دیدی دارد نقل می‌شود.

اتهام مضحک «ایران‌فروشی» از کجا آمد؟!

کانال تلگرامی «خیابان انقلاب» یادداشتی از حسن کریمی‌فرد را به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم: امضای سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین بازتاب فوق‌العاده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشته است. البته طبق معمول عده‌ای شروع به فضاسازی کرده و تلاش داشتند تصویری از سند ارائه دهند که گویی قرارداد ترکمانچای و گلستان جدیدی امضا شده است.
جمهوری اسلامی ایران در بیش از چهار دهه گذشته ثابت کرده به طرز شگفت‌آوری و برخلاف رژیم‌های طاغوتی گذشته تعصب بسیاری نسبت به مقوله استقلال ساختار سیاسی و دفاع از مرزهای کشور دارد. با قاطعیت می‌توان گفت این سختگیری نسبت به مسئله استقلال در هیچ دوره‌ای در ایران معاصر وجود نداشته و قبل از انقلاب اسلامی بخش‌های بسیاری از کشور چه به‌صورت مسالمت‌آمیز و چه از طریق جنگ از کشور جدا شده اما بعد از آن هرگز چنین اتفاقاتی رخ نداده است.
اما چه اتفاقی رخ داده که برخی نظام جمهوری اسلامی را متهم به ایران‌فروشی می‌کنند؟ به‌طور خلاصه می‌توان در پاسخ به چنین پرسشی، پاسخ‌های زیر را ارائه داد:
بدون شک پاسخ بخشی از این مسئله به جنگ رسانه‌ای غرب و عوامل آنها در خارج از کشور برمی‌گردد. آنها از هیچ اقدامی برای ایجاد تقابل بین دولت و ملت فروگذار نیستند و تمام هم و غم آنها شکاف و فاصله بین مردم و دولت است. عامل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد از تنوع‌بخشی به حوزه سیاست خارجی و نگاه به شرق نشئت می‌گیرد که بالطبع پذیرش آن برای برخی جریانات سیاسی گران است و آنها در پی این هستند که در تغییر چنین مسیری خلل ایجاد کنند. یکی از مسائل نیز به کاهش اعتماد نسبت به گفتار و عملکرد برخی مقامات برمی‌گردد. خلف وعده‌ها و تعارض بین گفتار و عملکرد عده‌ای از مسئولان موجب شده که بسیاری از مردم به‌سختی نسبت به توضیحات حتی بدیهی آنها قانع شوند.
یکی دیگر از عوامل به محبوبیت محرمانه‌سازی و تسری آن در نزد برخی سیاستگذاران بازمی‌گردد که برای دوری از نقد و پاسخگویی، بسیاری از مسائل را محرمانه اعلام می‌کنند. این اتفاق موجب می‌شود در چنین موردی نیز که واقعاً سند نیازی به انتشار ندارد مردم به‌سختی چنین رویه‌ای را بپذیرند. در نهایت نیز باید به تضعیف رسانه‌های داخلی و بی‌اعتماد بودن مردم نسبت به آنها اشاره کرد که موجب شده فضا برای جولان عده‌ای فراهم گردد. به‌ویژه که مقامات کمتر به پیوست‌های رسانه‌ای و تلاش برای اقناع افکار عمومی توجه دارند. جمع‌بندی چنین عواملی موجب شده که بعد از امضای سند همکاری راهبردی بین ایران و چین تخریب‌های بسیاری علیه این اتفاق مهم صورت گیرد.

چرا خودکشی آوینی آن‌همه فرق داشت با خودکشی هدایت؟!

حسین قدیانی در کانال تلگرامی «قطعه بیست‌وشش» نوشت: گذشته مرتضی بی‌شباهت به گذشته صادق نبود اما چرا خودکشی آوینی آن‌همه فرق داشت با خودکشی هدایت؟ رمان را هر دو می‌خواندند، نقاشی را هر دو می‌کشیدند، بازی با دود سیگار را هر دو بلد بودند، کافه را هر دو می‌رفتند، مخ را هر دو می‌زدند، قر و فر را هر دو داشتند، تیپ و قیافه را هر دو عوض می‌کردند ولی چرا مرتضی آوینی خودش را آن‌جوری قربانی نکرد که صادق هدایت؟
در عصری که من در صلب پدرم طبیعتاً قادر به مطالعه «بوف کور» نبودم، یک سید خوش‌سیمای سبیلو که از قرار دوست داشت «کامران» صدایش بزنند، گالری به گالری می‌رفت و گاه حتی به موهای لختش اذن می‌داد که دل غزاله علیزاده بی‌نوا را ببرند! بابا اکبر با کتاب هدایت رسماً داشت عاشق هیچ می‌شد ولی یکی هم بود در همان سن و سال که از نیچه پل می‌زد به هیچکاک تا با «انسان تک‌ساحتی» پی به ابعاد شخصیتی هربرت مارکوزه ببرد!
ما اما کمی بعد از تولد، در کلاس مدرسه «سر زنگ هندسه، دیگه این درسا بسه» گوش می‌دادیم، یواشکی ویدئو نگاه می‌کردیم و اگر پا می‌داد، نامه‌های فدایت شوم برای نرگس ملوک‌خانوم می‌نوشتیم! خط‌مان بد بود تا این که خوردیم به پست «کویر» و «خسی در میقات» و شریعتی و جلال و هنوز اما لازم می‌دانستیم که باز هم هم‌بازی بوفی باشیم که چشم دیدن هیچ‌کدام‌مان را نداشت! من که «بوف کور» را با صدای بم داریوش می‌خواندم! ترکیب این دو، معجون لامصبی می‌شد که جان می‌داد برای جان‌دادن! بارها به سرم زد که مثل دوستم امین، دست به خودکشی بزنم ولی اعتراف می‌کنم که شهامتش را نداشتم! امین هم البته خودکشی موفقی نداشت و بعدها از ایران کوچ کرد به همان قبرستان که قبر صادق هدایت را در گورستان خود دارد!
این وضع ما بود، آن وضع هدایت اما کمی آن‌سوتر، کامران بود که حسابی داشت به سمت مرتضی هجرت می‌کرد؛ سیدمرتضی! از پاریس، یک روح‌الله به ایران برگشته بود و چنان هم جاذبه داشت که به‌راحتی توانست ظاهر مرتضی را عوض کند! حالا دیگر ریش می‌گذاشت و چفیه را با پیراهن لی ست می‌کرد! دلم برای هدایت می‌سوزد که چرا نشد شبیه آوینی خودکشی کند! این که گاز را باز کنی و زیر پتو خودت را خفه کنی، خودکشی جالبی نیست! خودکشی به آن می‌گویند که «بمیری، پیش از آن که بمیرانندت!» کجا؟ پای چشم همت در جزیره مجنون! پای خنده خرازی در شرق ابوالخصیب! پای شقایق‌های آتش‌گرفته! پای رمل‌های داغ فکه! پای شهدای والفجر مقدماتی! پای کانال کمیل! پروانه، شمع را یافته بود و دیگر نمی‌توانست بال‌هایش را در شعاع نور نسوزاند! خیلی وقت بود از پیله بیرون آمده بود! عکس حجله‌ای می‌انداخت...